

بازکاوی فقهی- حقوقی حق استمتاع زوجه با تأکید بر لزوم مزاج‌شناسی زوجین

سیده فائزه صفدرزاده^۱، الهام شریعتی^۲، محمد روشن^۳، سکینه اطلابی^۴

چکیده

رعایت حقوق جنسی از جمله مصادیق حسن معاشرت است و خودداری زوج نسبت به تأمین نیاز جنسی زوجه به صورتی که زن رضایت روانی، جسمی و عاطفی نداشته باشد، می‌تواند یکی از موارد نشوز مرد باشد. پژوهش حاضر به روش اسنادی- تحلیلی و با هدف بازکاوی فقهی- حقوقی حق استمتاع زوجه، به عنوان مصداقی از حسن معاشرت، با تأکید بر لزوم مزاج‌شناسی زوجین انجام شد. بدین منظور کلیه منابع مکتوب مربوطه اعم از کتب و مقالات علمی مورد بررسی قرار گرفت. براین اساس توسعه در مفهوم حق استمتاع، توجه به ضرورت بازنگری در دیدگاه‌های فقهی و قوانین مدنی حول محور حقوق جنسی زوجه و تبیین حدود معاشرت به معروف در مناسبات زوجین بر مبنای تأمین غریزه جنسی زوجه بررسی و تحلیل شد. نتایج نشان داد که با توجه به انحصار تأمین نیاز جنسی زن از سوی شوهر و الزام شرعی و قانونی ایشان به رعایت حسن معاشرت، برای دستیابی به اهدافی همچون افزایش میزان تعهد زناشویی، حفظ حیا در میان زنان، استواری بنیان خانواده و کاهش آمار طلاق، حق استمتاع زوجه باید در قانون تصریح شود و در حیطه سیاست‌گذاری و اجرا نیز این حق به عنوان یکی از اصلی‌ترین لوازم تحکیم بنیان خانواده، مورد توجه قرار گیرد. همچنین ضمانت اجرایی نظیر الزام زوج به اخذ مشاوره در این زمینه مورد تأکید قانون‌گذار باشد.

واژگان کلیدی: حسن معاشرت، حقوق جنسی زوجه، نشوز، حق استمتاع زوجه.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸
۱. دانشجوی دکتری مطالعات حقوق خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران / مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، تهران، ایران.

Email: s.safdarzadeh@sbu. ac. ir

۲. استادیار حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: e. shariati@alzahra. ac. ir <https://orcid.org/7052-0658-0003>

۳. دانشیار حقوق خصوصی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: m-roshan@sbu. ac. ir

۴. کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء (ع)، تهران، ایران.

Email: Atlabi. sa78@gmail. com

A Jurisprudential-Legal Analysis of Wife's Right to Sexual Pleasure with an Emphasis on the Necessity of Knowing Couples' Temperament

Seyedeh Faezeh Safdarzadeh¹, Elham Shariati², Mohammad Roshan³, Sakineh Atlabi⁴

Observing sexual rights is one of the instances of good companionship and refusing husband to satisfy wife's sexual desire, so that she does not have a psychological, physical, and emotional satisfaction, can be one of the cases of disobedience. This documentary-analytical study was conducted with the purpose of analyzing jurisprudentially-legally wife's right to sexual pleasure, as an instance of good companionship, emphasizing the necessity of knowing couples' temperament; thus, all related written sources including books and scientific papers were reviewed. Therefore, the followings were analyzed: the development of the concept of right to sexual pleasure, the necessity of reviewing jurisprudential opinions and civil law related to wife's sexual rights, and the explanation of good companionship in couples' relations based on satisfying wife's sexual instinct. According to the results, due to husband's monopoly in meeting wife's sexual desires and his Sharia and legal obligation to good companionship, for achieving goals such as increasing marital commitment, maintaining modesty among women, strengthening family foundation, and decreasing divorce rate, wife's right to sexual pleasure should be clarified in law and in the realm of policymaking and execution, that right should also be considered as one of the most important factors of strengthening family foundation. Moreover, the legislator should emphasize the executive guarantee like the obligation of husband to be informed about this issue.

Keywords: good companionship, wife's sexual rights, disobedience, wife's right to sexual pleasure.

Paper Type: Research

Data Received: 2020 / 11 / 30 Data Revised: 2021 / 05 / 11 Data Accepted: 2021 / 06 / 18

1. Ph.D. Student in Studies of Family Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran / Teacher of University of Applied Science and Technology, Tehran, Iran.

Email: s_safdarzadeh@sbu.ac.ir

2. Assistant Professor of Law, Faculty of Social Sciences and Economy, Alzahra University, Tehran, Iran.

(Corresponding Author)

Email: e.shariati@alzahra.ac.ir

3. Associate Professor of Private Law, Family Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: m-roshan@sbu.ac.ir

4. M.A. in Women's Studies, Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: atlabi.sa78@gmail.com

اسلام هسته اولیه خانواده را ازدواج مشروع زن و مرد می‌داند. ازدواج (نکاح) عقدی است که براساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار شده و به موجب آن طرفین دارای وظایف و حقوقی می‌شوند. در جامعه‌ای که قواعد مبتنی بر قوانین الهی دارد شناخت دستورالعمل منطبق با نظر شارع بسیار اهمیت دارد. هدف از تشکیل خانواده براساس آیه ۲۱ سوره روم ایجاد آرامش، مودت، رحمت و زمینه‌ای برای رشد، بالندگی، تقویت و تکامل هریک از زن و مرد توسط دیگری است. واضح است که رکن اساسی در تحقق این اهداف، تأکید بر اخلاق مداری برای ادای حقوق و انجام تکالیف توسط زوجین در خانواده است. قرآن، سیره و سنت ائمه معصومین علیهم‌السلام یکی از بهترین منابع در بیان حقوق و وظایف متقابل زوجین است. در تعالیم اسلامی علاوه بر حقوق و وظایفی که هر فرد مسلمان نسبت به دیگری دارد، همسران نیز حقوق و تکالیفی نسبت به هم دارند. از جمله حقوقی که رعایت آن بر زوجین اهمیت ویژه‌ای دارد حقوق جنسی است. حق تمتع جنسی از محورهای اساسی تشکیل خانواده است و به نظر بیشتر حقوق دانان شرط خلاف آن، شرط خلاف مقتضای ذات عقد نکاح بوده و مبطل عقد نکاح است (اسدی، ۱۳۸۵)؛ چراکه یکی از مهم‌ترین دلایل بروز اختلافات و ناسازگاری میان زن و شوهر، عدم تأمین نیازهای جنسی و بی‌اطلاعی زوجین از حقوق و تکالیفی است که در این زمینه دارند. از این رو، آگاهی بخشی حقوق و تکالیف در کنار آموزش مهارت‌های رفتاری و کلامی برای رسیدن به خواسته‌ها و تأمین نیاز زوجین می‌تواند تأثیر مثبتی در استحکام بنیان خانواده داشته باشد (ر.ک.، شریعتی و ولی‌حصاری، ۱۳۹۶). نگاه نقادانه به مناسبات و روابط زن و شوهر در دهه‌های اخیر و بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر آن، از دو نظر اهمیت دارد: نخست، تبیین مسئولیت‌های فردی زن و مرد که ارکان خانواده‌اند و دوم، تبیین مسئولیت نهادهای اجتماعی. از این رو، بسیاری از محققان و پژوهشگران برای تعیین حدود این حقوق و تأثیر آن بر ثبات روابط زوجین و به تبع آن ارتقای سطح کیفی جامعه براساس سلامت نهاد خانواده در آن مطالعاتی داشته‌اند. نوبهار و حسینی (۱۳۹۴) در پژوهش خود دیدگاه‌های رایج فقهی و حقوقی در حوزه روابط جنسی زوجین را نقد و بازنگری کرده‌اند. باتوجه به پژوهش ایشان، نظریه تحدید زمانی حق جنسی

زوجه به هر چهارماه یک بار، با معیار رفتار متعارف ناسازگار است و مطابق حکم مضمون قاعده، معیار رفتار متعارف در هر بار رابطه جنسی نیز باید مراعات شود. در نتیجه، برقراری رابطه مبتنی بر اجبار، شیوه‌های نامتعارف نزدیکی و برقراری رابطه جنسی خشن به دلیل مغایرت با معروف نمی‌تواند مشروع باشد. همچنین شعربا فچی، صادقی فسایی، آذری و میرخانی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به تبیین این مسئله پرداختند که نشوز اگرچه در متون فقهی برای هر دو جنس تعریف و ویژگی‌های آن بیان شده است، در متون حقوقی فقط برای زنان به کار رفته و با اینکه با شواهدی از مواد قانونی یا ادله فقهی می‌توان به راحتی نیاز جنسی زن را اثبات کرد، ضمانت اجرایی برای برآورده شدن این نیاز که تأمین آن تنها از طریق همسر ممکن است در نظر گرفته نشده است. هدایت نیا و سیدعلیزاده گنجی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با بیان اینکه نشوز زوج از مباحث مهم فقه و حقوق خانواده است که به طور مستقیم ریشه قرآنی دارد و مانند نشوز زوجه آیه‌ای به آن اختصاص یافته، می‌کوشد مفهوم و مصادیق نشوز زوج را در فقه بررسی کرده و جای خالی آن را در قوانین بررسی نماید. همچنین احمدیه (۱۳۹۷) در مطالعه خود بیان می‌دارد که زن و شوهر حقوق مساوی دارند و این حقی متضایف است؛ یعنی در مقابل تکلیف زن که اطاعت از مرد در امور جنسی است، حقی هم از جانب مرد نسبت به زن قرار داده شده است و برقراری چنین توازنی - که تلازم حق و تکلیف است - به تعدیل و تنظیم روابط جنسی منجر خواهد شد. علاوه بر پژوهش‌های فوق، مقالات و کتب دیگری نیز در موضوع حقوق جنسی زوجه به رشته تحریر در آمده که اغلب به دنبال اثبات وجود خلاءهای فقهی و قانونی در این زمینه بوده‌اند و اگرچه در این موضوع، نقاط اشتراکی با این نوشتار دارند، اما وجه تمایز برجسته پژوهش حاضر با تحقیقات انجام شده در نگاهی همه جانبه به حقوق جنسی زوجه و توسعه در مفهوم استمتاع است، به گونه‌ای که علاوه بر بررسی فقهی و حقوقی، تفاوت‌های اجتماعی و فیزیولوژیک و تنوع در تمایلات جنسی زنان نیز بررسی شده است در نتیجه راهکاری مناسب برای افزایش سطح شناخت میان زوجین، به ویژه آشنایی بانوان با بدن خود و نیازها و حقوق متقابل در بستر خانواده، پیش روی سیاست‌گذاران حوزه سلامت و فرهنگ و در نهایت قانون‌گذاران قرار دهد. تأمین کامل این غریزه در بستر خانواده سبب

افزایش میزان تعهد زناشویی، حفظ حیا در میان زنان و در نهایت استواری بنیان خانواده و کاهش آمار طلاق خواهد شد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به دو سوال اصلی انجام شد: آیا فقط زنان در مقوله رعایت حقوق جنسی، مخاطب تکلیف هستند و یا مردان نیز در برابر همسران خویش موظف به تأمین حقوق ایشان می‌باشند؟ آیا تمکین خاص که در اصطلاح فقیهان و حقوق دانان، به معنای برآوردن نیازهای جنسی مرد از طرف زن تعریف شده است، تکلیفی یک جانبه است و فقط زن باید به این نیاز مرد پاسخ دهد و نیاز زن در این مورد نادیده گرفته شده است؟

۲. چارچوب نظری پژوهش

۱-۲. مفهوم‌شناسی

ابن منظور (۱۴۱۴هـ.ق) معروف را کار موافق با طبع که نفس انسان بدان مایل است و با آن اطمینان و آرامش می‌یابد، تعریف کرده است. راغب (۱۴۱۲هـ.ق) نیز هر دو حسن عقلی و شرعی را در مفهوم معروف نهفته می‌داند؛ یعنی معروف را فعلی می‌داند که نیک بودنش توسط عقل یا شرع شناخته می‌شود. در معنای اصطلاحی معروف گفته شده است که معروف هر آن چیزی است که در شرع نیکو شمرده شده است (جرجانی، ۱۳۷۰) و چیزی که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت، محاسن، خلق نیکو، سنت‌های حسنه و آداب است، معروف می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۶۴، ۲/۲۲۸). بنابراین، معروف مفهومی عرفی است که مصادیق آن بر حسب زمان و مکان و نیز درجه تمدن و فرهنگ جامعه اسلامی که زوجین در آن زندگی می‌کنند، می‌تواند متفاوت باشد (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۴).

دهخدا (۱۳۵۹) معاشرت را آمیختن و با هم آمیزش کردن، با هم زیست کردن و با کسی زندگانی نمودن، اختلاط و گفت‌وشنود، الفت و مصاحبت، همدمی و رفاقت، خوردن و آشامیدن با هم معنا کرده است. در فرهنگ معین (۱۳۸۶) نیز معاشرت به معنای رفاقت، دوستی، هم‌صحبتی آمده است. عبارت معاشرت به معروف برگرفته از کلام وحی است. زحیلی (۱۴۱۷هـ.ق) از جمله حقوق شوهر بر زن را برخورد معاشرت به معروف زن ذکر می‌کند. علامه طباطبایی نیز در رابطه با معاشرت به معروف در قلمرو جامعه انسانی معتقد است که معروف هر امری است که مردم آن را بشناسند، انکار نکنند و با آن ناآشنا نباشند. چون

معروف مقید به معاشرت شده، باید مقصود از آن معاشرتی باشد که معروف میان مخاطبان است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ۲۷۳/۴). ابن کثیر (۱۴۱۹ هـ.ق) مصادیق معاشرت را این‌گونه بیان می‌کند: «با همسرانتان خوش زبان و خوش رفتار باشید و خود را بیاریبید و به اندازه توانایی همان‌سان که دوست دارید همسرانتان خود را برای شما بیاریند شما نیز همان کنید که از همسرانتان می‌پسندید». قرطبی (۱۳۶۸) نیز چنین آورده است:

حسن معاشرت با زنان به این است که حقوق زن از مرد و نفقه را به‌طور کامل پرداخته و در برابر زن بدون سبب و تقصیر گناه، رو ترش نکند و در سخن گفتن گشاده‌روی باشد نه سخت دل و بد زبان و به کس دیگر اظهار تمایل نکند. خداوند متعال حسن معاشرت با زن عقد کرده را سفارش کرده تا ادامه زندگی و مصاحبت و همزیستی ایشان کامل باشد، چه آن‌که حسن معاشرت روان را آرام‌تر و زندگی را گوارتر می‌سازد. همچنین در تفسیر المنار آمده است:

در مفهوم معاشرت، مشارکت و برابری نهفته است؛ یعنی مردان با زنان براساس متعارف رفتار کنند و زنان نیز باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند. با زنان براساس معروف، معاشرت کنید یعنی؛ ای اهل ایمان! بر شما واجب است که معاشرت و رفتار با زنان را نیکو سازید بدان‌سان که همزیستی و درآمیختن شما با ایشان باید بر پایه معروف و آنچه که زنان را می‌شناسد و طبع ایشان با آن دمساز است، باشد البته اگر از منظر شرع، عرف و مروت چنان رفتاری منکر و ناپسند نباشد. (رشیدرضا، ۱۹۹۰) طبرسی (۱۳۸۴) هم سه نظریه را در نمونه‌های معروف نقل می‌کند:

انصاف و میانه‌روی در تقسیم هم‌خوابی و نفقه آن‌گاه که مرد بیش از یک همسر داشته باشد، نیک رفتاری و خوش‌گفتاری، انجام ندادن کاری که سبب زیان همسر گردد، نگفتن سخن زشت به او و باگشاده‌رویی با او برخورد کردن، همان‌گونه که مرد می‌پسندد همسرش با او چنان رفتاری داشته باشد با همسرش رفتار کند و خویشتن را بیاراید.

در معنای واژه نشوز باید گفت که این واژه در اصل عربی و مصدر و از ریشه نشز است که در لغت به معنای ارتفاع، بلند شدن، مقاومت، تمرد کردن، سرکشی و اطاعت نکردن آمده است. نشزت المرأة یعنی، زن نسبت به شوهر مخالفت نماید و نسبت به او کینه ورزیده و از اطاعتش سرپیچی کند. «نشز بعلها علیها» نیز به معنای ستم نمودن شوهر به زن و مورد ضرب و شتم قرار دادن اوست. (جوهری، ۱۴۱۰ هـ.ق؛ ابن فارس، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۴۳۰/۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۳۸/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق). نشوز در اصطلاح فقهی نیز از معنی لغوی خود دور نیفتاده است و به معنی

تمزد هریک از زوجین از انجام وظایفی است که در زندگی زناشویی بر آنها واجب است (عاملی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۳/۳۰۸). همچنین خروج هریک از زوجین از اطاعت دیگری را نشوز گفته‌اند، خواه این خروج از طرف زن باشد یا از طرف مرد (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۵۲۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۲/۲۸۲؛ حلی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۳/۵۹۶؛ نجفی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۳۱/۲۰۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳/۵۴۳).

در مورد نشوز زوجه، باید گفت که اگر زن تکالیفی را که به گردن دارد انجام ندهد، برای مثال بدون عذر شرعی از استمتاع مرد سر باز زند، ناشزه است. مصادیق آن می‌تواند عدم رعایت نظافت و یا خروج از منزل بدون رضایت شوهر باشد، اما در مورد کارهای منزل باتوجه به اینکه وظیفه زن نیست، خودداری وی از انجام این قبیل کارها مثل شستن ظروف و آشپزی، باعث نشوز زوجه نمی‌شود. در مورد نشوز زوج نیز باید گفت که اگر مرد حقوق واجبیه را که زن بر گردن او دارد انجام ندهد، ناشز است. مانند عدم پرداخت نفقه، آزار و اذیت وی و همچنین عدم رعایت حق قسم و سایر حقوق تحت دایره حق استمتاع (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲/۳۵؛ خوبی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲/۲۸۲؛ نراقی، ۱۴۲۲ هـ.ق).

با الهام از مفهوم لغوی و اصطلاحی نشوز می‌توان نشوز را خودداری هریک از زوجین از تأدیه حقوق واجب طرف دیگر بدون وجود مانع شرعی دانست. ویژگی اصلی این خودداری کراهت، نافرمانی، عصیان آگاهانه و عامدانه است. نقطه مقابل نشوز، تمکین و در واقع پذیرش حقوق طرف مقابل و تلاش برای ادای آن است. براین اساس، منظور از نشوز زوج کراهت او از زندگی با زوجه و امتناع از معاشرت به معروف و خودداری از رعایت حق استمتاع زوجه است (توجهی، ۱۳۸۹).

اولین قدم برای افزایش استحکام خانواده وجود حسن خلق و معاشرت نیکو در روابط بین زوجین است. آنچه در قرآن و روایات مصادیق معاشرت به معروف بیان شده از باب تمثیل است و هر عملی که عقل آن را تأیید کند و یا عرف جامعه آن را بپذیرد، جزء مصادیق رفتار نیکوست. (رفسنجانی مقدم و محمدیان، ۱۳۹۴) از دیدگاه قرآن کریم اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل میان زن و شوهر معاشرت به معروف است (ر.ک. نساء: ۱۹). به تعبیر علامه طباطبایی، معروف متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت، محاسن خلق نیکو و سنت‌های حسنه در آداب است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ۴/۲۷۳).

اصل معاشرت به معروف را با دورویکرد می توان بررسی کرد: نخست، رویکرد رفتارمحوری است که در آن به صفت فعل انسان توجه می شود با این توضیح که فعل انسان جدای از موضوع آن و طرف رفتار و توجه به شخصیت وی می تواند نیکو یا غیر نیکو باشد. رویکرد دوم، مبنامحوری است که رد آن برخلاف رویکرد پیشین علاوه بر فعل و رفتار انسان به ماهیت و شخصیت طرف رفتار نیز توجه می شود به گونه ای که رفتار اشخاص را در محیط اجتماعی باید از نظر موضوع رفتار و طرف آن تحلیل کرد. با نگاهی اجمالی به آیه «عاشروهن بالمعروف» رویکرد دوم به خوبی استنباط می شود. آیه مذکور در صدد تبیین تغییر رویکرد معرفتی و در نتیجه تغییر رفتاری جامعه نسبت به زنان است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰). بدین سان معروف با پیشوند معاشرت را می توان شیوه رفتاری پسندیده از منظر عقل و شرع توصیف کرد. با توجه به اهمیت و تأثیر حسن معاشرت در همه ابعاد زندگی، لازم است به مفهوم و مصادیق معاشرت به معروف به طور گسترده توجه شود.

دین اسلام که توجهی همه جانبه به وجود انسان دارد به منظور قرار دادن وی در مسیر تکامل، مقرراتی بر نحوه کارکرد گزینه جنسی حاکم گردانیده و ارضای این گزینه را فقط در چارچوب عقد نکاح مشروع دانسته است و در عین حال، رعایت حقوق جنسی را از سوی زوجین ضروری می داند. چنان که آیه ۱۸۷ سوره بقره نیز برای تعادل بخشیدن به همین موضوع است؛ (اسدی، ۱۳۸۵) چراکه روابط جنسی سالم و رضایت‌مندانه تأثیر بسزایی در نشاط زن و شوهر، افزایش روابط عاطفی و محبت‌آمیز، حس حمایت‌گری مرد نسبت به زن و همراهی زن با همسر خود دارد (قاسمی، ۱۳۸۷). روایات متعددی نیز بر ترک رهبانیت جنسی تأکید دارد (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۰۶/۲۰؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۰۷/۲۰). اهمیت نیاز جنسی مرد به قدری است که تمکین از مهم‌ترین تکالیف شرعی زن در زندگی زناشویی است (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۵۷/۲۰). زنان نیز همانند مردان دارای میل جنسی هستند که از نظر کیفیت بر مردان غلبه دارد و البته حیا سبب می شود که از تمایلات جنسی خود به صراحت سخن نگویند (حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۰۹/۲۰). گرچه موقعیت‌های هریک از زوجین به دلیل شغل، وظیفه تأمین معاش خانواده و... اقتضائاتی دارد که میزان این پاسخ‌گویی را متفاوت می نماید، اما این تصور که استمتاع، نیازی یک طرفه می باشد، اشتباه است؛ چراکه

چنین نیازی، نیازی طبیعی مشروع، مشترک و عادلانه می باشد. براین اساس، در آموزه های دینی به مردان توصیه شده است که نیاز جنسی همسران خود را نادیده نگیرند، در برقراری رابطه جنسی از عجله بپرهیزند و... (حرعاملی، ۱۴۱۴ه.ق، ۲۰/۱۱۷). همین طور عدم آراستگی مرد در برابر همسرش، احتمال لغزش جنسی زن را افزایش می دهد (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳ه.ق). جلوگیری از مفسده چنان مهم است که امام خمینی رحمته الله علیه حتی در صورت عدم مراجعه زن به حاکم، از باب احتیاط بر حاکم واجب می داند رأساً اقدام نموده و زن را از قید زندگی زناشویی رها سازد (کرمی، ۱۳۶۵). مرحوم طبرسی ذیل آیه ۲۲۸ سوره بقره مراد از معروف را رجوع به حسن معاشرت و ترک اضرار به زن و تساوی در قسم (شبهها) و نفقه و لباس می داند. (طبرسی، ۱۳۸۴، ۳/-) عاملی نیز ضمن اشاره به حق مضاجعه و هم خوابگی در کیفیت و مقدار آن به معاشرت به معروف استناد می کند (عاملی، ۱۳۷۲، ۱/۴۱۹).

پاسخ متعارف به نیاز جنسی طرفین وظیفه ای مشترک و دوجانبه و از حکمت های ازدواج است. براساس آیه ۱۸۷ سوره بقره در پوشش نیازهای متعارف، زن و مرد تکالیف یکسان دارند و شأن نزول این آیه نیز انجام نیازها و حوائج جنسی است. بنابراین، در تفسیر آیه ۲۳۳ سوره بقره روایاتی معتبر وارد شده است که در تبیین این موضوع اهمیت زیادی دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

بسیار اتفاق می افتد که زن هنگام جماع دست رد به سینه شوهر می زد و می گوید: «می ترسم حامله شوم با اینکه من بچه دار هستم» و همچنین شوهر از جماع خودداری می کند و می گوید: «می ترسم حامله شوی...». در اسلام، خدای تعالی نهی کرد از اینکه مرد موجب زیان زن گردد یا زن باعث ضرر مرد شود. (کلینی، ۱۳۷۹، ۶/۱۰۴)

بنابراین، شارع حتی به خاطر اینکه احتمال دارد زن دوباره حامله شود، اجازه نداده هریک از زوجین، نیازهای جنسی همدیگر را نادیده بگیرند و به آن پاسخ ندهند. سیاق روایت اشاره به حق جماع هریک از زوجین دارد و با مطالبه یکی از آنها دیگری حق امتناع ندارد. (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ه.ق) براین اساس، یکی از بدیهی ترین حقوق متقابل زوجین، ارضای صحیح و کامل نیاز جنسی است که در سایه حسن معاشرت برخاسته از دستور قرآنی معاشرت به معروف محقق می شود.

۲-۲. حق استمتاع زوجه از منظر فقه

تداوم نسل و سلامت نفس، محصول نیاز جنسی است که دین اسلام ارضای صحیح این گزینه طبیعی را در چارچوب عقد نکاح مشروع می‌داند تا متضمن سلامت فرد و جامعه باشد و از ایجاد فساد پیشگیری نماید. بنابراین در منابع اسلامی، حق قسم، مضاجعه و مواقعه از مصادیق حسن معاشرت است و همگی در راستای تأمین این حق طبیعی قرار داده شده‌اند.

۲-۲-۱. حق قسم

قسم به کسر قاف در لغت به معنای تقسیم کردن و دادن بهره و نصیب افراد (جوهری، ۱۴۱۰هـ.ق، ۲۰۱۰/۵) و در اصطلاح فقهی به معنای تقسیم شب‌ها میان زوجات است (فاضل هندی، ۱۴۱۶هـ.ق، ۴۸۶/۷). بنابراین، قسم یعنی رعایت عدالت و مساوات در بین زنان در هم خوابگی و بیتوته کردن است (جزیری، ۱۴۱۹هـ.ق، ۴۰۴/۵). حق القسمة از جمله حقوقی است که لزوم رعایت آن در مورد زنان مورد اتفاق تمامی مذاهب اسلامی است، اما نه به معنای لزوم مواقعه، بلکه فقط هم خوابگی مورد نظر است (نجفی، ۱۴۱۲هـ.ق، ۱۶۱/۲۹؛ عاملی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۴۲۵/۵؛ خوبی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۳۸۶/۲). استناد این دسته از فقها برای عدم وجوب مواقعه در ضمن حق قسم، به روایتی از امام صادق علیه السلام مبنی بر اینکه بودن تا صبح در کنار زن در شبی که متعلق به اوست بر مرد واجب است نه مواقعه (عاملی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۳۴۲/۲۱). بنابراین، مهم‌ترین عامل توجیه وجوب قسم، وجود حق مضاجعه برای زنان است. بدین معنی که شارع تقسیم شب‌ها میان زنان را به این دلیل بر مردان واجب کرده است که مصلحت زوجین را در معاشرت و هم‌خانه بودن و کنار هم بودن، دانسته به طوری که قسم (که وجودش مورد اتفاق همه فقهای مذاهب است) راه حلی برای اجرای حق مضاجعه زوجات (حداقل به صورت جزء العله اگر تمام العله آن نباشد) تعیین شده است (ثمنی، ۱۳۹۰).

برخی از فقها معتقدند تقسیم جایی است که تعداد افرادی که بهره‌مند می‌شوند بیش از یک نفر باشد و حق القسمة را در جایی ثابت می‌دانند که تعدد زوجات وجود داشته باشد و اهمیت و ضرورت آن هم به دلیل رعایت عدالت میان زوجات است. بنابراین، اگر کسی یک زن دارد از هر چهار شب، یک شب برای زن است و سه شب دیگر برای مرد که هر جا می‌خواهد برود (نجفی، ۱۴۱۲هـ.ق، ۱۵۲/۲۱؛ بهجت، ۱۴۲۶هـ.ق، ۷۷/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ.ق، ۱۳۴/۴).

همچنین قول مشهور فقهای امامیه آن است که صبح شبی که متعلق به زوجه بوده است، متعلق به او نیست و بر زوج واجب نیست که صبح را نزد زوجه بماند (حلی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۳/ ۵۹۰؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۲/ ۸۰). به نظر برخی محققین به کار بردن واژه قسم در صورت وحدت زوجه، ناصحیح است؛ یعنی در صورت وحدت زوجه، بحث از قسم به انتفای موضوع منتفی خواهد بود، اما به دلیل یکی انگاشتن و اولویت دادن بحث از قسم بر مضاجعه، به این امر توجه نمی شود (ثمنی، ۱۳۹۰).

بنابر آنچه گفته شد و طبق اذعان فقها، اهمیت ویژه بحث قسم برای تسهیل شرایط ناشی از تعدد زوجات برای مردان است. در حالی که این موضوع در جامعه کنونی تا حد زیادی جنبه سلبی پیدا کرده و شرایط و مقتضیات زمان، حاکی از آن است که در بسیاری موارد با وقوع ازدواج دوم، روند زندگی ازدواج اول دچار اختلال می شود و گاهی موجب برهم خوردن بنیان خانواده می گردد.

۲-۲-۲. حق مضاجعه

حق مضاجعه یکی دیگر از عناوین فقهی حق استمتاع است که به دنبال حق قسم حاصل می شود. مضاجعه به معنای خوابیدن در یک رختخواب است (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۲۱/۸). مضاجع که جمع مضجع و اسم مکان است نیز واژه ای است که قرآن (ر.ک.، نساء: ۳۴) به طور صریح به آن اشاره کرده است. عبارت «واهجروهن فی المضاجع» یعنی، با آنان زیر یک لحاف داخل نشوید که بر همین معنا دلالت دارد (طریحی، ۱۳۷۵/۴، ۳۶۳). فقها مضاجعه را خوابیدن با همسر در یک بستر و نزدیک به وی دانسته اند، به صورتی که روی او دائماً یا در بیشتر اوقات به سمت همسر باشد حتی اگر از آن به موقعه تعبیر نشود. همچنین فقها موقعه را از «لوازم مضاجعه» نمی شمارند (عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۴۴/۸؛ خونی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۸۱/۲) یعنی، در قسم مضاجعه واجب است، اما موقعه نه (حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۲۷۹/۲).

حق مضاجعه اغلب معادل حق قسم دانسته شده در حالی که این دو با هم تفاوت ماهوی دارند به گونه ای که مهم ترین دلیل توجیه وجوب قسم، وجود حق مضاجعه برای زنان می باشد؛ چرا که مبنای قرآنی قسم، آیه ۳ سوره نساء درباره لزوم رعایت عدالت در صورت تعدد زوجات است و رعایت مضاجعه یکی از موارد الزامی برای تحقق رعایت عدالت

می باشد. براساس دیدگاه برخی فقها مضاجعه واجب نیست، ولی اصل ماندن در کنار زن در خانه، بر شوهر واجب است. البته ماندن تا حدی که زوجه «کالمعلقه» نباشد؛ یعنی در عرف به او زن شوهردار بگویند و جدایی زن و شوهر تا حدی باشد که معلوم شود این زن شوهردار است نه مطلقه یا مجرد (موسوی خمینی، ۱۳۸۶/۱، ۳۳۵). این دیدگاه ناظر به آیه ۱۲۹ سوره نساء است که مفسران، معلقه را به زنی معنا می کنند که نه طلاق داده شده و نه شوهردار است (طبرسی، ۱۳۸۴/۲، ۱۲۱). بنابراین، حق مضاجعه برای زوجه واحده براساس دیدگاه اول وجود ندارد و فقط عدم رهایی زن به گونه ای که «کالمعلقه» نباشد، واجب است.

براساس دیدگاهی دیگر، مضاجعه حق زن است و بر مردی که متأهل است، بیتوته یک شب از چهار شب فرض می باشد. (حلی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۲/۲۷۹). همانطور که اشاره شد، آنچه در مضاجعه لازم است، انس در شب است نه واقعه. ضمن اینکه اخلال در مضاجعه بدون اذن زوجه یا سفر زوج جایز نیست (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق). دیدگاه سوم قول به تفصیل است؛ یعنی مضاجعه در صورت وحدت زوجه واجب نیست و وجوبش مقید به تعدد زوجات است که در این صورت به دلیل رعایت عدالت میان زوجات، ماندن در کنار زن دیگر واجب می شود و هنگامی که یک دور تمام شود از سرگرفتن دور جدید واجب نیست (نراقی، ۱۴۲۲ ه.ق).

باتوجه به مباحث فوق به نظر می رسد که در بحث تعدد زوجات بایستی حق المضاجعه را در مقابل حق القسمه حقی مؤکد برای زوجه واحده در نظر گرفت؛ چراکه در عمل، قسمت کردن شب ها برای زمانی است که تعدد زوجات مطرح نباشد برای زوجه واحده تقسیم یک شب از چهار از نظر عقلی موضوعیت ندارد و باید اقتضای زمان و مکان نزول آیات و روایات در این باره را در نظر گرفت؛ زیرا در صدر اسلام تک همسری فرهنگ غالب نبوده است. بحث از تبیین ارتباط میان قسم و مضاجعه و تعیین یکی از دو شکل تبیین و تساوی و پرهیز از وحدت انگاری این دو واژه به این دلیل اهمیت دارد که مضاجعه و حکم آن، بدون اینکه به تمایز این دو توجه شود، تحت تأثیر دیدگاه های مختلف درباره قسم است و منجر به انکار لزوم مضاجعه زوجین در صورت وحدت زوجه شده است (ثمنی، ۱۳۹۷). ضمن اینکه در عصر حاضر بیان حق القسمه با عنوان حقی برابر حق المضاجعه برای عموم زوجین به علت گسترش ارتباطات جمعی و افزایش سطح آگاهی زنان از نیازهای خود و در



نتیجه کاهش سطح تحمل‌پذیری ناشی از خلأهای عاطفی و جسمی ناشی از عدم تأمین صحیح آن نیازها، سبب تأیید عملکرد غیر منصفانه برخی از مردان نسبت به همسرانشان شده و بنیان خانواده را متزلزل خواهد کرد.

مطابق نظر فقهای امامیه، حاکم در برخورد با مواردی که از جمله مصادیق نشوز زوج باشد با درخواست زوجه می‌تواند زوج را الزام به ایفای وظایف نماید و در صورت عدم امکان اجبار، وی را تعزیر کند. (نجفی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۲۴۹/۳۱؛ نجفی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۲۵۰/۳) باتوجه به آیه ناظر بر نشوز (ر.ک.، نساء: ۳۴) برای تحقق ضمانت اجرای مورد نظر شارع درباره زنان ناشزه، می‌بایست وجوب مضاجعه را مفروض بدانیم (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق). عده‌ای از فقها نیز به صراحت حکم به وجوب مضاجعه داده و ترک آن را منوط به اجازه و رضایت زوجه می‌دانند (گیلانی، ۱۴۱۳ ه.ق).

۲-۲-۳. حق مواقعه و ضمانت اجرای آن

براساس متون فقهی، هرگاه زوج بخواهد و تحت هر شرایطی، زوجه باید از زوج خود تمکین کند و حقوق جنسی وی را تأمین نماید، البته به شرطی که زوجه مانع مشروع نداشته باشد، اما براساس آرای مشهور فقیهان، زوج فقط هر چهارماه یک‌بار مکلف به تأمین حقوق جنسی زوجه است. این نظریه قابل نقد و بررسی است؛ تا زمان شیخ طوسی فقها متعرض این بحث نبوده‌اند، اما پس از وی سایر فقها نسبت به آن افتاء داشته و برخی آن را به شکل عکس مطرح نموده‌اند. (روشن، ۱۴۰۰ ه.ش) مشهور فقیهان امامیه معتقدند که ترک آمیزش با همسر بیش از چهارماه صحیح نیست (حلی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۲۷۱/۲). امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرماید:

ترک کردن وطی زن (مواقعه) حتی زن انقطاعی، در بیشتر از چهارماه بنا بر اقوی جایز نیست؛ مگر به اذن خود او. البته این حکم مخصوص، در صورتی است که شوهر یا زن عذری نداشته باشند و اما در صورت داشتن عذر، ترک آن مطلقاً تا زمانی که عذر باقی است، جایز می‌باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۴/۱۵)

به نظر می‌رسد فقها بایستی به این سؤال پاسخ دهند که چرا به آیاتی که رابطه جنسی را پس از تطهیر زوجه، تجویز می‌کند (ر.ک.، بقره: ۲۲۲) و زنان را شبیه مزرعه‌ای برای تداوم نسل بشر دانسته که مردان هر زمان که بخواهند وارد می‌شوند (ر.ک.، بقره: ۲۲۳) و آن را زمینه‌ساز سعادت و سرمایه اخروی (ر.ک.، بقره: ۲۲۳) دانسته است، توجه نمی‌شود. با این توضیح که اگر چنین زمینه‌ای برای مرد محقق است، آیا می‌توان زوجه را از چنین حقی با چنان آثار

معنوی محدودش به هر چهارشب و یا عجیب‌تر از آن هر چهارماه یک بار ممنوع ساخت؟! (توجهی، ۱۳۸۹) ضمن اینکه تنها دلیل برای تحدید میزان واقعه، روایتی از صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام است که در آن امام علیه السلام در پاسخ به فردی که نزدیکی با همسرش را به علتی مانند عزادار بودن و نه به قصد اضرار زوجه به تعویق انداخته بود، فرمود: «ترک واقعه بیش از چهارماه جایز نیست» (قمی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۴۰۵).

براساس روایت فوق اگر مرد بیش از چهارماه از نزدیکی با زنش خودداری کند گناهکار خواهد بود مگر اینکه زنش راضی باشد. به نظر آیت الله شبیری این روایت حداکثر زمان مجاز ترک جماع را برای شوهری که چنین عذری دارد، بیان می‌کند، و الا جایز بودن ترک جماع تا چهارماه شامل کسی که عذر ندارد و می‌خواهد به زن ضرر برساند، نمی‌شود (ر.ک.، شبیری زنجانی، بی تا، ۵/۱۴۸۲). با وجودی که در سند و دلالت این روایت تردیدی نیست، به نظر می‌رسد مبنا قراردادن این روایت برای همه زمان‌ها و همه افراد با دستور صریح قرآن که می‌فرماید «عاشروهن بالمعروف» در تضاد آشکار است؛ چراکه حق جنسی که از حقوق طبیعی همه افراد است، فاقد ظرفیت‌های کنترل‌ها و تعدیل‌های کمی است؛ این درحالی است که برای زوج هیچ محدودیتی در این زمینه وجود ندارد (شعرباقچی زاده، و همکاران، ۱۳۹۹).

درمقابل روایت فوق در روایتی منقول از امام صادق علیه السلام آورده شده است که چنانچه مردی زانی را اختیار نموده و حال آنکه با آنان آمیزش نداشته باشد و یکی از آنان زن کند، گناه زانی این زن به عهده زوج اوست. (ر.ک.، کلینی، ۱۳۷۹، ۵/۵۶۶). این روایت نشان می‌دهد آزادی رفتار زوج در رعایت حق جنسی زوجه، منوط به عدم خوف گناه است نه وابسته به یک محدوده زمانی خاص! اهل سنت نیز مبنای فتوای آمیزش جنسی هر چهارماه یک بار را به سؤال خلیفه دوم از زنان مدینه نسبت داده و آورده‌اند که زنان مدینه شعری را بدین شرح سروده بودند: «فوالله لو لا الله لا شیء غیره لزلزل من هذا السریر جوانبه». خلیفه سؤال کرد یک زن چه مدت می‌تواند برای جماع صبر کند؟ پس زنان پاسخ دادند که چهارماه. پس خلیفه حکم کرد که مدت غیبت مرد از زن چهار ماه قرار داده می‌شود (عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۶۷/۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱/۲۳۷؛ کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۲/۵۰۷)، اما مرحوم حکیم معتقد است آنچه درباره رفتار خلیفه دوم آمده است نه از نظر سند و نه از نظر دلالت حجت نیست، بلکه فقط یک



ضرب الاجل حکومتی است و ارتباطی با حکم شرع ندارد (روشن، ۱۴۰۰ هـ.ش). بنابراین، حق مواقعه‌ای که در فقه برای زوجه در نظر گرفته شده است باتوجه به محدودیت در روایات و عدم تمسک فقها به حکم عقل، قابل مناقشه است و می‌توان به صراحت اعلام داشت که در صورت درخواست تأمین نیاز جنسی از طرف زوجه و به نحو متعارف، زوج مکلف است که نسبت بدان اقدام نماید.

برخی از اعمال که در فقه به طور صریح بدان اشاره شده است، نقض‌کننده حق مواقعه می‌باشند؛ چراکه شرایطی را ایجاد می‌کند که زوج، زوجه را از حق خویش محروم گرداند. شارع باتوجه به اهمیت موضوع تأمین نیاز جنسی زوجه در بستر خانواده و با رعایت موازین و حدود تعیین شده، در صورت وقوع هر کدام از نواقض، ذیل دو دسته عمدی و سهوی، ضمانت اجرای متناسب با موقعیتی که زوجین در آن قرار دارند در نظر گرفته تا از بروز حرج جنسی برای زوجه جلوگیری نماید. بدیهی است که ضمانت اجرا می‌تواند مثبت حق استمتاع زوجه باشد. این ضمانت اجرا عبارتند از:

- ایلاء که ضمانت اجرای آن مهلت چهارماهه در تخییر بین مواقعه و یا لزوم طلاق است؛
- ظهار که ضمن پرداخت کفاره، مخیر به نگهداشتن زوجه و مواقعه و یا لزوم طلاق وی است؛
- عیوب خاص مرد از جمله عنن، خصاء و جب که با قید فوریت امکان استفاده از خیار فسخ برای زوجه محفوظ است.

۲-۲-۴. حق عزل

عزل در لغت به معنای جدا کردن و دور کردن (راغب، ۱۴۱۲ هـ.ق؛ زمخشری، ۱۳۸۶؛ بستانی، ۱۳۷۵) و کنار گذاشتن (قرشی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۳۴۴/۴) است. در اصطلاح نیز به حالتی گویند که مرد پس از کامیابی خود را کنار کشیده و نطفه را خارج از رحم زن بریزد (قمی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۴۴۳). همچنین عزل به معنای دوری کردن و نریختن آب در فرج زن است (سعدی، ۱۴۰۸ هـ.ق؛ مشکینی، بی‌تا). در کتاب *اصطلاحات الفقه* نیز عزل به معنای خارج کردن آلت در هنگام انزال و بیرون ریختن منی معنا شده است (عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۴۱/۸). در اینکه آیا حق عزل، حقی مختص زوجه است یا حقی مشترک بین زوجین، باید گفت که عموم روایات (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۴۱۷/۷) به زوجه توجه کرده‌اند و پژوهش‌های مختلفی در اثبات این حق برای زوجه صورت گرفته؛ چه از نظر

حق مادر شدن که مسئله‌ای مهم در زندگی زن است و چه از نظر متع کامل جنسی که تکمیل‌کننده حق استمتاع زوجه می‌باشد. از سوی دیگر برخی روایات (ر.ک.، عاملی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۱۰۵/۱۴) خلاف این مطلب را بیان می‌کند.

اگر عزل یکی از راه‌های استمتاع کامل زوجه باشد، باید گفت که این مسئله گاه باعث رضایت و گاه نیز به دلیل عدم اراده زوجه بر بارداری، باعث ایجاد زمینه روحی نامساعد و به تبع آن عدم رضایت جنسی می‌شود. بنابراین، نمی‌توان رعایت آن را یکی از حقوق زوجه که همیشه بر استمتاع کامل وی مؤثر باشد، برشمرد. ضمن اینکه مراعات دوجانبه از طرف زوجین در این مسئله می‌تواند از تراحم در حقوق و تکالیف هریک از آنها جلوگیری کند؛ به‌گونه‌ای که با رعایت موازین اخلاقی و اصول رابطه زناشویی، می‌توان مشکلات ناشی از این مسئله، از جمله تصمیم مشترک زوجین بر بارداری و یا ایجاد شرایط دیگر برای استمتاع کامل زوجه را به راحتی حل و فصل نمود. در هر حال، حق عزل طبق نظر بسیاری از فقها حقی محفوظ برای زوجه است (ر.ک.، ثمنی، ۱۳۹۶)؛ قانون مدنی نسبت به بیان این حق یا سلطه ساکت است.

۲-۲-۵. حرج جنسی زوجه

لزوم اطاعت زوجه در امور جنسی از شوهر یکی از تکالیف زوجه شمرده شده است تا بستر احقاق حق تمکین زوج را فراهم آورد. تمکین زن اغلب امری مسلم قلمداد شده مگر اینکه عذر موجهی وجود داشته باشد. این در حالی است که از دیدگاه فقهای امامیه برای حق متناظر زنان تحدید زمانی وجود دارد. به نظر می‌رسد استواری قاعده لزوم معاشرت به معروف و گستردگی دامنه آن امکان تردید در این حکم را فراهم می‌آورد (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۷)؛ چراکه یکی از خصوصیات نظام حقوقی اسلام این است که اجرای احکام آن دارای مشقت زیادی نیست. در منابع دینی بُعد ایجابی و سلبی این خصیصه بیان شده است؛ از نظر ایجابی در روایتی آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «من به شریعت سمحه و سهله مبعوث شده‌ام» (کلینی، ۱۳۲۹، ۴۹۴/۵) و از نظر سلبی در برخی آیات (ر.ک.، حج، ۸۷؛ بقره، ۱۸۵؛ مانده، ۶) به روشنی عدم حرج در دین و در برخی آیات، معیار حرجی بودن (ر.ک.، بقره، ۲۸۶) توان انسان بیان شده است. ترک نزدیکی با زوجه، می‌تواند موجب عسر و حرج وی و از مصادیق اضرار باشد و بر

شوهر واجب است که با همسر خویش به میزان دفع ضرر و حرج نزدیکی کند. مطابق حکم عقل، این مقدار در زنان به واسطه تفاوت های جسمی و روحی متفاوت است؛ چراکه معیار در نفی حرج را نمی توان همواره ملاحظه غالب و نوع افراد دانست بلکه حرج شخصی نیز مؤثر است. بنابراین، تقیید حق مواءه به چهارماه از نظر عقلی وجهی ندارد. چه بسا زنی فقط با گذشت یک هفته، دیگری یک ماه و زنی دیگر با گذشت چندماه به حرج افتد.

اموری چون حقوق جنسی به نسبت نیاز شخص و جزء حقوق طبیعی و ملصق به ذات است که با توجه به سن، نژاد و شرایط متفاوت است. حقوق طبیعی افراد خواه به صورت فردی و تک محوری باشد و خواه در ظرف طرفین محقق شود، جعل آن از سوی شارع امکان پذیر نیست. فلسفه ورود شارع در چنین حقوقی جلوگیری از تعدی به آن و هدایت آن در مسیر صحیح است. متصور نیست که شارع معین کند که افراد کی و به چه میزان به آب، غذا، امور جنسی و مانند آن نیاز پیدا کنند. (توجهی، ۱۳۸۹) بنابراین، می توان گفت اینکه مرد در تأمین نیاز جنسی تام الاختیار باشد و زن هیچ حقی در این باره نداشته باشد با مذاق شارع ناسازگار است؛ چراکه شارع قوانین را براساس عدالت تشریح می کند. براین اساس، رفتار تبعیض آمیز و تعیین تکلیف نامتناسب، خلاف اصل عدالت در حقوق است، به ویژه اگر زنی دچار عسرو حرج شده و یا محدودیت ها باعث گناه او شود، آیا دلیلی بر محرومیت زن از حقوق جنسی نیست؟ اگر همچنان از فقیهان متقدم پیروی شود، حتی اگر تکلیفی متوجه مرد نباشد آیا این رفتار باعث عروض زن در تهلکه نیست؛ زیرا خداوند متعال فرموده است: «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه و احسنوا ان الله یحب المحسنین» (بقره: ۱۹۵). بعلاوه تکلیف زوجین به عاشروهن بالمعروف با این تضييق متناسب نیست (روشن، ۱۴۰۰ ه.ش).

اگر میل جنسی زن به طور صحیح پاسخ داده نشود، سعی خواهد کرد که این کمبود را جبران کند، همسرش را بی غیرت، ضعیف، بی عرضه و بیمار خواهد دانست، اخلاق او تند و نافرمان شده و نسبت به شوهر، بی محبت می گردد و ممکن است نسبت به او خیانت کند. (آواره، بی تا، به نقل از، مروتی، وحیدنیا، صادقی و فتاحی، ۱۳۹۳) عدم توجه به حق مواءه تبعات جبران ناپذیری مثل به فساد کشیده شدن زنان و آسیب به بنیان خانواده و فرزندان خواهد داشت. براین اساس، عدم توجه دقیق فقیهان به یکی از ضروری ترین نیازهای زن که جز در

قالب خانواده محقق نمی‌شود خالی از اشکال نیست. از این رو، ضرورت بازنگری در متون فقهی و به تبع آن، فتاوی صادره از مراجع عظام درباره تبیین و تصریح حق استمتاع زوج، بدون تحدید زمانی، ضروری است. اگرچه اهمیت این مباحث در تعالی و تحکیم خانواده مبرهن است، اما سکوت قانون‌گذاران ایران در این زمینه نیز قابل تأمل است.

۲-۳. حسن معاشرت در ادای حقوق جنسی زوج از منظر قانون

براساس شریعت اسلام زوجین مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر بوده و قانون‌گذار ایران نیز در همین راستا ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی را وضع کرده است. (روشن، ۱۴۰۰ ه.ش) ملاک تشخیص آنکه چه امری سوء معاشرت است و تشخیص درجه‌ای که زن نمی‌تواند زندگانی زناشویی را ادامه دهد، به نظر عرف است که در هر مورد با در نظر گرفتن وضعیت روحی، اخلاقی و اجتماعی زوجین و همچنین وضعیت محیط از حیث زمان و مکان آن را تعیین می‌نماید. در جوامع امروزی با وجود این حجم وسیع از انواع ابزارهای ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی، ذائقه و نیازهای افراد نسبت به گذشته تغییرات زیادی داشته و متناسب با این تغییرات، برای مفهوم حسن معاشرت نیز بایستی مطابق با ویژگی‌های زمانه مصداق‌سازی شود از جمله نوع رفتار مردان با همسران خود، به‌ویژه در کم‌وکیف روابط زناشویی.

اگرچه در فقه برای زن نیز حق تمتعات جنسی تحت عناوین قسم، مضاجعه و مواقعه بیان شده، قانون مدنی ایران این موضوع را مسکوت گذارده است. مطابق رویه قضایی، مرد می‌تواند دادخواست الزام به تمکین تقدیم دادگاه نماید، اما ادعای زوج مبنی بر اینکه زوج حقوق جنسی او را نادیده می‌گیرد و به نوعی ناشز است، پیش‌بینی نشده است مگر اینکه بتواند با تقدیم دادخواست طلاق و اثبات عسر و حرج، موضوع ماده ۱۱۳۰ ق.م.و یا بیماری‌های خاص جنسی شوهر، زمینه انحلال را در قالب فسخ و یا طلاق فراهم آورد. حتی قانون‌گذار با وجود الحاق یک تبصره به این ماده در سال‌های بعد نیز از بیان صریح نشوز زوج از برقراری رابطه زناشویی در میان موارد نامبرده که باعث عسر و حرج زوج می‌شود، غافل بوده است. همچنین در قانون، راجع به ایلاء وظهار که از عناوین ناقض حق مواقعه زوج می‌باشد، قاعده‌ای وضع نشده است. البته طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی که در مواقع سکوت، اجماع و تعارض قوانین قاضی را مکلف به استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی

معتبر نموده است، حکم پرونده‌های احتمالی روشن می‌شود. برخی با تفسیر عبارت «سایر حقوق واجبه زن» در بند ۲ ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در تلاش بودند برای حقوق جنسی زوجه محلی در متون قانونی بیابند. مطابق این بند، از موجبات صدور گواهی عدم امکان سازش، موردی است که شوهر دیگر حقوق واجب زوجه را وفا نکند و اجبار وی نیز ممکن نباشد. براین اساس، می‌توان منظور از سایر حقوق واجبه را ایفای وظایف خاص زناشویی دانست که شوهر باید آن‌گونه که نیاز زن اقتضا دارد آن را تأمین نماید. ضمن اینکه سبب عسرو حرج باید در زمان درخواست طلاق موجود باشد. بنابراین، زوجه نمی‌تواند به واسطه علتی که قبلاً موجب عسرو حرج وی از زندگی زناشویی شده و در حال حاضر رفع گردیده است، درخواست طلاق نماید (اسدی، ۱۳۸۵)؛ زیرا هدف دادرسی کیفر دادن شوهر به دلیل رفتار ناشایست او در گذشته نیست؛ طلاق وسیله مجازات نیست، ریسمان رهایی است (کاتوزیان، ۱۳۷۱). براین اساس، بیش از پیش عدم کارآمدی ماده ۱۱۳۰ ق.م. در استیفای حق استمتاع زوجه نمایان است؛ چراکه با وجود اثبات نشوز زوج در دادگاه، در صورت تعهد وی به رعایت حقوق جنسی همسر خود، حتی در صورت عدم التزام به آن، درخواست زوجه مبنی بر ادعای عسرو حرج و تقاضای طلاق می‌تواند رد شود.

رشد روزافزون آمار طلاق توافقی نسبت به سایر اقسام طلاق، نشان می‌دهد که زنان کمتر به ماده ۱۱۳۰ ق.م. برای درخواست طلاق خود متمسک می‌شوند که می‌تواند نشان از سختی روند اثبات عسرو حرج باشد؛ زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهد درصد چشمگیری از این طلاق‌ها به دلیل مشکلات اساسی نبوده و بیشتر ناشی از فقدان مهارت‌های لازم برای زندگی زناشویی و رفع تنش‌های معمول‌اند. (شریعتی و صفدرزاده، ۱۳۹۶) اگر زوجی اقدام به مطالبه حقوق خود از طریق محاکم قضایی نماید به منزله اقدام وی برای طلاق تلقی می‌شود، چه رسد به اینکه زنی برای احقاق حق استمتاع خود بخواهد به ماده ۱۱۳۰ ق.م. تمسک کرده و از دادگاه به جای اصلاح رفتار همسر، تقاضای جدایی نماید. در روند پرونده‌های محاکم خانوادگی، به‌طور معمول ایجاد فاصله عاطفی و در نهایت نفرت میان زوجین مشاهده می‌شود و تمسک به این ماده نه فقط کمکی به حل مشکلات زناشویی زوجین نمی‌کند که باعث جدایی نیز خواهد شد.

برای دستیابی به قرائتی از نظام حقوق خانواده که با اقتضائات زمان سازگار باشد، باید قواعدی را به کار بست که بتواند کل نظام حقوقی خانواده را پوشش دهد؛ به گونه ای که بتوان هم از توسل به ابزارها و اصول ثانوی موردی بی نیاز شد و هم زن با ضرر و عسرو حرج مواجه نشود. حل مشکل با نفی ضرر و عسرو حرج به معنای آن است که زن در بسیاری موارد باید تا مرز ضرر و حرج و سختی زندگی کند و حتی از این وضعیت شواهدی محکمه پسند فراهم آورد تا بتواند آن را به لحاظ قضایی اثبات نماید (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۴). به عقیده حقوق دانان خودداری شوهر از برقراری روابط جنسی با زن را می توان از مواردی دانست که در شرایط خاص ایجاد عسرو حرج می نماید؛ چراکه صرف نظر از نیازهای جسمی و عاطفی زن، بی مهری و بی اعتنائی شوهر به او در این زمینه، نوعی اهانت به زن قلمداد می شود و ادامه زندگی زناشویی را تحمل ناپذیر می سازد و به زن حق می دهد که از دادگاه درخواست طلاق نماید (کاتوزیان، ۱۳۶۵).

اثبات عسرو حرج در مرحله ای است که زن حاضر و قادر به ادامه زندگی نیست و تنها راه برون رفت از این شرایط را رجوع به محکمه می داند، در حالی که اگر پیش از اثبات عسرو حرج، ضمانتی برای استیفای حق استمتاع زوجه وجود می داشت، شاید کار به این مرحله نمی رسید. این در حالی است که قبیح بودن اعلام نیاز جنسی و استناد به ناتوانی مرد در برآوردن این نیاز از سوی زن، اغلب مانع آن است که زن با استناد به این مشکل مبادرت به درخواست طلاق نماید. از آنجا که ماده ۱۱۳۰ ق.م. مبتنی بر قاعده نفی حرج و از احکام ثانویه فقه است، نمی تواند ضمانت اجرای مناسبی برای سوء معاشرت زوج باشد (علوی قزوینی و قشلاقی، ۱۳۹۵). متأسفانه قانون گذار درباره وظایف زناشویی زوج و رعایت حقوق جنسی زوجه، ضمانت اجرای مشابهی وضع نکرده است. این تقابل، به طور آشکار نشانه کمبود و خلاء قانون مدنی است. گاهی مسلم دانستن حق یک طرف، بهترین ضمانت اجرا برای رسیدن به آن حق است و چه بسا به ضمانت اجرای کیفری نیازی نباشد، اما آیا در این مورد تدبیری اندیشیده شده است تا زن پس از ازدواج برای تأمین این نیاز خود در تنگنا قرار نگیرد؟ انحصار در پاسخ گویی به نیاز جنسی زن متأهل، و وضع قوانین و ضمانت های اجرایی برای تمکین زن از مرد و تلازم حق و تکلیف، این حق را برای زن ایجاد می کند که

شاهد پاسخ‌گویی کامل ازسوی همسر باشد. بدیهی است باید راهی برای استیفای این حق و ضمانت پاسخ‌گویی زوج وجود داشته باشد (شعربافی‌زاده، و همکاران، ۱۳۹۹).

تاکنون به نشوز زوج از منظر کیفری توجهی نشده است و مقنن فقط در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ترک انفاق را جرم‌انگاری کرده است، درحالی‌که ترک انفاق فقط یکی از مصادیق نشوز زوج است. نه فقط درباره حق هم‌خوابگی زوجه واحده در قانون سخنی به‌میان نیامده است بلکه درباره حق استمتاع زنان در خانواده‌های چندهمسری نیز مقنن به تکلیف زوج نسبت به بیتوته و قسم که در صورت تعدد زوجات نوعی افراز از حیث جیره و جامه و بیتوته است، توجه نکرده است. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۲). اگرچه برای حفظ حقوق متقابل زوجین و حمایت از بنیان خانواده تلاش‌های خوبی مثل تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ شده، یکی از کاستی‌های موجود در آن که عدم توجه به موضوع حق استمتاع زوجه است، مورد غفلت قرار گرفته است و قانون در این زمینه نیاز به اصلاح و تکمیل دارد. بنابراین، باتوجه به اهمیت حق استمتاع زوجه می‌بایست مقنن، ماده واحده‌ای مشخص به آن اختصاص داده و در قبال امتناع زوج از رعایت چنین تکلیفی در زندگی زناشویی، ضمانت اجرای واجد وصف کیفری و یا الزام به اخذ مشاوره، قرار دهد تا ضمن بازدارندگی از چنین رفتارهایی، این حق مسلم نیز از سایه غفلت و گاه تردید و ناآگاهی، خارج شده و توسط مردان پذیرفته شود.

۲-۴. میزان تمایلات جنسی باتوجه به طبیعت و مزاج افراد

اگرچه کامجویی جنسی در قالب عقد نکاح امری مشروع، پسندیده و مورد تأکید دین است، ملاحظات ناصواب عرفی و اخلاقی سبب شده که بیان نیازهای جنسی و مطالبه ارضای آن از ناحیه زوجین (به‌ویژه زوجه) فاقد جایگاه منطقی در عرف باشد و تحت الشعاع مسائل دیگر در خانواده قرار گیرد. (اسدی، ۱۳۸۵). در سال‌های اخیر، قدم‌های بسیار ارزشمندی برای آموزش‌های هنگام ازدواج برداشته شده و علاوه بر مسائل بهداشتی، کلاس‌های آموزش احکام، اخلاق و حقوق، ضمن انجام آزمایش پیش از ازدواج برگزار می‌شود. گرچه اهتمام دستگاه‌های متولی در امر فرهنگ به‌ویژه در موضوع استحکام خانواده روشن است، باوجود همه این تلاش‌ها، آمار بالای طلاق نشان از کمبودهای شدید شناختی در همه

عرصه‌های فرهنگی-اجتماعی دارد. به نظر می‌رسد مشاوره‌های طب سنتی پیش از ازدواج برای مزاج‌شناسی زوجین می‌تواند در استحکام پیوند ازدواج راه‌گشا باشد. مزاج بر بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد، از جمله خلق و خو، تحصیلات، انتخاب شغل و... تأثیرگذار است و موضوع ازدواج و روابط زوجین نیز از این قاعده مستثنی نیست. هر فرد براساس جنس و مزاج ویژه خود رفتارهای جنسی متفاوتی را نشان می‌دهد و این اختلافات فردی منجر به عملکردهای متفاوت در حیطه رفتارهای جنسی می‌شود. آموزش‌های فردی و گروهی متعددی برای بهبود روابط جنسی با هدف افزایش رضایت زوجین صورت گرفته است، اما هیچ‌یک به مزاج افراد و ویژگی‌های فردی زوجین توجه ننموده است (خانی، ۱۳۹۵). شناخت کافی از طبع و مزاج سبب می‌شود زوجین براساس نیاز طرف مقابل، سعی در تأمین آن نمایند و از همسر خود انتظار متناسب داشته باشند. به‌ویژه مردان بیش از زنان باید به این موضوع توجه کنند؛ چراکه ممکن است شرم مانع بیان خواسته‌های جنسی در زنان شود و در صورتی که نیاز ایشان به‌طور کامل تأمین نشود، عوارضی مثل سردمزاجی در پی خواهد داشت. سردمزاجی در خانم‌ها در بسیاری مواقع با افسردگی همراه است. برای مثال در یک مطالعه توصیفی-تحلیلی بر روی زنان باردار، نزدیک به ۹۶٪ مشارکت‌کنندگان با مزاج سرد، پس از زایمان تجربه افسردگی داشتند، در حالی که زنان با مزاج معتدل و گرم کمترین میزان افسردگی پس از زایمان را تجربه کرده بودند (ترکمن‌نژاد سبزواری، افتخار بیزدی، رستاقی و راد، ۱۳۹۷). البته علل و اسباب سردمزاجی در زنان ممکن است ناشی از عوامل بیرونی همچون احساس شرمساری و گناه، عدم علاقه به شوهر، درد هنگام مقاربت، بارداری، مشغولیت ذهن به غیر از شوهر و یا عادت به روش‌های خاص ارضای جنسی باشد. اگر هیچ‌یک از موارد فوق مصداق واقعی نداشته باشد، باید علت را در جسم زن که اغلب از غلبه و سوء مزاج سودا ناشی می‌شود، جستجو کرد (موسوی، ۱۳۹۰).

بیشتر بودن لذت جنسی زن نسبت به مرد انکارناپذیر است؛ چراکه از نظر بازدهی زن نسبت به حیاتی که به او تفویض شده است یعنی، امتداد و بقای نسل، کلی‌تر از مرد است. بنابراین، باید کشش جنسی و قدرت زن نیز بیشتر باشد. (پاک‌نژاد، بی‌تا) تعداد دفعات مواجهه بستگی به نوع خوراک، منطقه زندگی، طبع و نژاد افراد دارد. اشخاص مختلف در رنگ

پوست، حالت مو، فرم صورت، نوع استخوان بندی، اندازه چربی و ماهیچه بدن متفاوتند که این عوامل تعیین کننده طبع انسان است (موسوی، ۱۳۹۰). اگر حق استمتاع زوجه فقط اثبات تعداد دفعات هم خوابگی قلمداد شود، باز حق مطلب ادا نشده است. بنابراین، بایستی کیفیت روابط زناشویی برای تلذذ کامل زوجین و ارضای نیاز جنسی در بررسی حق استمتاع، نشوز و... نیز مورد توجه قرار گیرد. (ر.ک.، پاک‌نژاد، بی تا). اگر زوجه طی ارتباط با همسر هیچگاه رضایت جنسی را تجربه نکند به مرور زمان احساس صمیمیت و مورد توجه بودن از سوی همسرش در او کاهش یافته و نیاز به امنیت عاطفی و هیجانی او به خطر خواهد افتاد که ممکن است منجر به ارضاء نادرست این نیاز در خارج از محیط خانواده شود. بنابراین، همه عواملی که منجر به بالا رفتن سطح عملکرد جنسی زنان می شود، قبل و بعد از ازدواج مهم است که موجب بالا رفتن صمیمیت، حس امنیت و سطح تعهد در روابط زناشویی در خانواده و در نتیجه استحکام بنیان خانواده خواهد شد (فرج‌نیا، حسینیان، شهیدی و صادقی، ۱۳۹۳).

روان‌شناسان ریشه بسیاری از عوارض ناراحت‌کننده عصبی و بیماری‌های روانی و اجتماعی را احساس محرومیت، به‌ویژه در زمینه امور جنسی می‌دانند و ثابت کرده‌اند این محرومیت‌ها مبدأ تشکیل عقده‌ها و عقده‌ها به شکل ویژگی‌های خطرناکی مانند میل به ظلم و جنایت، کبر، حسادت، انزوا و گوشه‌گیری، بدبینی و غیره تجلی می‌کند (مطهری، ۱۳۷۶).

یکی از راه‌های مؤثر در اخلاقی کردن افعال زوجین در زندگی زناشویی، خروج برخی احکام اخلاقی در آیات و روایات از توصیه به ترجیح، تأکید و یا الزام است. تاجایی که دستورات اخلاقی، زمینه‌ساز اجبار افراد به شایسته‌ترین عمل یا مناسب‌ترین رفتار شود (احمدیه، ۱۳۹۷).

بنابراین، به نظر می‌رسد علاوه بر لزوم بازنگری در قانون، کمبود آموزش‌های اخلاقی مکمل آموزش‌های زوجین بیش از پیش احساس می‌شود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مصادیق حسن معاشرت، حق استمتاع زوجه است که تأمین آن در بانوان نقش به‌سزایی در سلامت و شادابی ایشان و در نتیجه سایر اعضای خانواده دارد. باتوجه به وجوب حسن معاشرت از جانب زوجین از جمله لزوم رعایت حقوق جنسی که مصداق

معاشرت به معروف است، نادیده گرفته شدن این حق زوجه از سوی شارع کاری عبث به نظر می‌رسد در حالی که کار عبث از شارع حکیم بعید است. براین اساس، احادیثی که حقوق جنسی زوجه را محدود به یک بار در چهارماه می‌کند با صریح آیاتی که امر به معروف در معاشرت دارند، معارض است و تحدید چهارشب یک بار نیز به دلیل تفاوت در میزان تمایل جنسی زنان با توجه به سن، وراثت و طبع آنان، لااقل از نظر عقلی مردود است. همچنین حق قسم نیز مربوط به مسئله تعدد زوجات بوده و در خانواده‌های چندهمسری برای رعایت هم‌بستری با زوجه و نه لزوماً مواجهه در نظر گرفته شده است، گرچه با توجه به دستور صریح قرآن مبنی بر معاشرت به معروف و اینکه امروزه ممکن است اقدام به تعدد زوجات با توجه به مورد پسند نبودن توسط عرف و در نتیجه خلاف معاشرت به معروف بودن این موضوع موجبات تزلزل در حسن معاشرت پدید آید. بنابراین، به نظر می‌رسد حسن معاشرت در پرتو تک‌همسری محقق می‌شود تا بتواند ضامن بقای زندگی مستحکم و فرزندانی با نشاط و سالم باشد. در نهایت به نظر می‌رسد که حق استمتاع زوجه نیز همچون زوج، براساس میزان و تمایل و نیاز هر وی و با توجه به طبع و مزاج او باشد.

بازنگری فقهی در حوزه حق جنسی زوجه و صدور احکام ثانویه مبنی بر لزوم تمکین زوج (رعایت حق وطی، قسم و مضاجعه) با رعایت شرایط سنی، اقلیمی، جسمی، روحی و در نتیجه میزان تمایلات جنسی زوجه لازم و ضروری است. براین اساس، بازنگری در قانونی مدنی برای رفع خلاء قانونی در تبیین صریح حق استمتاع زوجه و اضافه کردن آن به شروط ضمن عقد در نکاح‌نامه‌های رسمی لازم است. جرم‌انگاری نشوز زوج در صورت اثبات بی‌توجهی زوج نسبت به حق استمتاع جنسی زوجه در متن قانون و تدوین ضمانت اجرای قانونی متناسب با اهمیت این موضوع نظیر الزام زوجین به اخذ مشاوره از مراکز روان‌شناسی، مشاوره و... باید صورت گیرد.

برای رفع مشکلات ناشی از تفاوت در طبع و مزاج زوجین و پیشگیری از آسیب‌های ناشی از آن لازم است مشاوران متعهد و متخصص در زمینه مزاج‌شناسی، برای مشاوره زوجین پیش از ازدواج و مراکز مشاوره خانواده قوه قضائیه (موضوع ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱) به‌کار گرفته شوند. همچنین دستگاه‌های متولی امر باید برای ارائه آموزش‌های

حین ازدواج متناسب با موضوع مزاج‌شناسی و با هدف آشنایی زوجین با طبع خود و همسرشان به منظور کمک به برقراری رابطه‌ای سالم و تأمین نیاز جنسی یکدیگر در بستر خانواده و در نتیجه کاهش فساد در جامعه وارد عمل شوند. ترغیب افراد جامعه توسط مبلغان حوزه علوم دینی به رویکرد اخلاق محور در سبک زندگی زناشویی و رعایت حقوق متقابل زوجین در خانواده نیز ضروری می‌نماید.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). فولادوند، محمد مهدی. قم: کتابخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۳ ه.ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب اعلام اسلامی.
 ۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ ه.ق). تفسیر القرآن العظیم. دمشق: دارالکتب العلمیه.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
 ۴. احمدیه، مریم (۱۳۹۷). الزام زوج به رعایت حق جنسی زوجه. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۸۰(۲۰)، ۳۳-۵۰.
 ۵. اسدی، لیلاداد (۱۳۸۵). حق جنسی، اختلال و انحراف در آن در قوانین موضوعه. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۴۳(۱۱)، ۳۴-۵۴.
 ۶. انصاری، مرتضی (شیخ انصاری) (۱۴۱۵ ه.ق). کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
 ۷. بستانی، فؤاد افراهم (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامی.
 ۸. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ه.ق). انساب الاشراف. بیروت: دارالفکر.
 ۹. بهجت گیلانی، محمد تقی (۱۴۲۶ ه.ق). جامع المسائل. قم: دفتر آیت الله بهجت.
 ۱۰. پاک‌نژاد، سیدرضا (بی تا). ازدواج مکتب انسان‌سازی؛ از عقد تا زفاف. یزد: موسسه خیریه علمی و دینی مهدیه اشکذر.
 ۱۱. ترکمن‌نژاد سبزواری، مرضیه. افتخار بزدی، میترا، رستاقی، صدیقه. و، راد، مصطفی (۱۳۹۷). بررسی ارتباط انواع مزاج با افسردگی پس از زایمان در مراکز بهداشتی شهرستان سبزوار سال ۱۳۹۶. نشریه زنان و مامایی و نازایی ایران، ۲۱(۶)، ۶۴-۷۰.
 ۱۲. توحیدی، عبدالعلی (۱۳۸۹). لزوم جرم‌انگاری نشوز زوج. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۴۸(۱۲)، ۲۱۹-۲۵۲.
 ۱۳. ثمنی، لیلیا (۱۳۹۰). حقوق غیرمالی زوجین از دیدگاه مذاهب خمسسه. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
 ۱۴. ثمنی، لیلیا (۱۳۹۶). ضمانت اجرای حق مادرشدن. نشریه علمی- پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، ۲۰(۷۸)، ۲۷-۲۷.
 ۱۵. ثمنی، لیلیا (۱۳۹۷). مضامعه و چالش‌های آن در فقه امامیه. نشریه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ۲(۱)، ۱۱۱-۱۳۶.
 ۱۶. الجرجانی، علی (۱۳۷۰). التعریفات. تهران: ناصر خسرو.
 ۱۷. جزیری، عبدالرحمن. غروی، محمد. و، مازخ، یاسر (۱۴۱۹ ه.ق). الفقه علی مذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت. بیروت: دارالتقین.
 ۱۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). حقوق خانواده. تهران: انتشارات گنج دانش.
 ۱۹. جوهری، اسماعیل (۱۴۱۰ ه.ق). الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۲۰. حائری طباطبایی، علی (۱۴۱۸ ه.ق). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة. قم: اسماعیلیان.
 ۲۱. حرعاملی، محمد (۱۴۱۴ ه.ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: آل بیت لاحیاء التراث.
 ۲۲. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). حقوق زن و خانواده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۲۳. حلی (علامه حلی)، حسن (۱۴۲۰ ه.ق). تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
 ۲۴. خانی، صغری. یوسفی، صدیقه. و، رنجبورنندی، آتوسا (۱۳۹۵). ارتباط انواع مزاج با رضایت جنسی زوجین. ششمین همایش سراسری راهکارهای ارتقاء سلامت و چالش‌ها با محوریت مراقبت مبتنی بر جامعه. ساری.
 ۲۵. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ه.ق). منهای الصالحین. قم: مکتب آیت الله العظمی السید الایرانی.
 ۲۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۹). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.

۲۷. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ هـ.ق). *مفردات فی غریب القرآن*. مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا. تهران: مرتضوی.
۲۸. رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰). *تفسیر المنار*. مصر: انتشارات هیئته المصریه العامه لکتاب.
۲۹. رفسنجانی مقدم، مصطفوی، و محمدیان، علی (۱۳۹۴). پژوهشی پیرامون ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی «تکلیف زوجین نسبت به حسن معاشرت یا یکدیگر». *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۷۰ (۱۸)، ۷-۴۶.
۳۰. روشن، محمد (۱۴۰۰ هـ.ش). *حقوق خانواده*. تهران: انتشارات جنگل.
۳۱. زحیلی، وهبه (۱۴۱۷ هـ.ق). *الفقه الاسلامی وادلتہ*. دمشق: نشر دارالفکر.
۳۲. زمخشری، محمد (۱۳۸۶). *مقدمه الادب*. تهران: مؤسسه مطالعاتی دانشگاه تهران.
۳۳. شبیری زنجانی، سیدموسی (بی تا). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۳۴. شریعتی، الهام، و صفدرزاده، سیده فائزه (۱۳۹۶). ماهیت و آثار طلاق توافقی در فقه و حقوق. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۷۸ (۲۰)، ۸۹-۱۰۶.
۳۵. شریعتی، الهام، و ولی حساری، مرضیه (۱۳۹۶). حقوق جنسی زوجین در فقه و حقوق موضوعه. تهران: خرسندی.
۳۶. شعربافی زاده، مرضیه، صادقی فسایی، سهیلا، آذری، هاجر، و میرخانی، عزت السادات (۱۳۹۹). تبیین حق جنسی زوجین در بستر متون فقهی و حقوقی. *نشریه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، ۵۰ (۱۴)، ۶۷-۹۲.
۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴). *المیزان*. تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۳۸. طبرسی، فضل (۱۳۸۴). *مجمع البیان*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مکتبه المرتضویه.
۴۰. طوسی، محمد (۱۴۱۱ هـ.ق). *وسيله الی نیل الفضیله*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۴۱. عاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۳ هـ.ق). *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۴۲. عاملی، محمد (۱۳۷۲). *نهایه المرام*. قم: نشر اسلامی.
۴۳. عاملی، یاسین عیسی (۱۴۱۰ هـ.ق). *اصطلاحات الفقه فی رسائل العلمیه*. بیروت: دارالبلاغه للطباعه.
۴۴. عاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۰ هـ.ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۴۵. علوی قزوینی، سیدعلی، و قشلاقی، سهیل (۱۳۹۵). اثر نشوز زوج، در طلاق به درخواست زوجه از منظر فقه و حقوق. *نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۶۵ (۲۱)، ۱۰۷-۱۳۰.
۴۶. فاضل هندی اصفهانی، محمد (۱۴۱۶ هـ.ق). *کشف اللثام والایهام عن قواعد الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۷. فرج نیا، سعیده، حسینیان، سیمین، شهیدی، شهریار، و صادقی، منصوره سادات (۱۳۹۳). *نقش عملکرد جنسی زوجین بر میزان تعهد آنان به رابطه زناشویی*. ششمین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده. پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
۴۸. قاسمی، هاجر السادات (۱۳۸۷). *آسیب شناسی روابط زوجین: لایه های زیرین ناسازگاری*. *نشریه حوراء*، ۲۹-۴۰-۴۶.
۴۹. *قانون حمایت خانواده*. مصوب ۱۳۹۱. مشاهده شده در <https://legal.umsu.ac.ir/uploads/pdf.۲۷>
۵۰. *قانون حمایت خانواده*. مصوب ۱۳۵۳. مشاهده شده در <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۷۱۸۷>
۵۱. *قانون مجازات اسلامی*. مصوب ۱۳۹۲. مشاهده شده در <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۸۴۵۰۴۸>
۵۲. *قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*. مشاهده شده در <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۷۹۳۷>
۵۳. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. مصوب ۱۳۶۸. مشاهده شده در <https://www.lu.ac.ir/۱۲۳۴۵۶-۲۰۴۳۶/uploads/pdf>
۵۴. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ هـ.ق). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۵. قرطبی، محمد (۱۳۶۸). *الجامع الاحکام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۵۶. قمی (شیخ صدوق)، محمد (۱۴۱۳ هـ.ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۵). *حقوق مدنی خانواده*. تهران: برنا.
۵۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). *مقدمه علم حقوق*. تهران: شرکت انتشار.
۵۹. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ هـ.ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: انتشارات آل البيت علیه السلام.
۶۰. کریمی، حسین (۱۳۶۵). *موازن قضایی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام*. قم: شکور قم.
۶۱. کلینی، محمد (۱۳۷۹). *اصول کافی*. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۶۲. گیلانی (میرزای قمی)، ابوالقاسم (۱۴۱۳ هـ.ق). *جامع الشتات فی أجوبه السؤالات*. تهران: مؤسسه کیهان.
۶۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ.ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث عربی.

۶۴. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر (۱۴۰۸ ه.ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: اسماعیلیان.
۶۵. مروتی، سهراب، وحیدنیا، فرحناز، صادقی، عماد، و فتاحی، امیر (۱۳۹۳). علل و عوامل انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات. *نشریه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۲(۲)، ۹۳-۱۱۴.
۶۶. مشکینی، علی (بی تا). *اصطلاحات الفقه*. بی جا: بی نا.
۶۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
۶۸. معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ه.ق). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه علی بن ابی طالب علیه السلام.
۷۰. موسوی، سیدمحمد، و جعفریان صدیق، محمد (۱۳۹۰). *درمان بیماری‌های زنان و زایمان، مقایسه‌ای بین طب غربی و ایرانی از دیدگاه طب ایرانی (سنتی)*. تهران: زعیم.
۷۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۶). *تحریر الوسیله*. قم: دارالعلم.
۷۲. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ ه.ق). *کلمات سدیدیه فی مسائل جدیدیه*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۷۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۱۲ ه.ق). *جواهر الکلام فی شرایع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۴. نراقی، ملا احمد (۱۴۲۲ ه.ق). *مسائل و رسائل فی حل غوامض المسائل*. قم: کنگره بزرگداشت محققان ملامهدی و ملا احمد نراقی. تهران.
۷۵. نوبهار، رحیم، و حسینی، ام‌البینین (۱۳۹۴). *قاعده لزوم معاشرت به معروف در روابط زن و شوهر*. *نشریه خانواده پژوهی*، ۱۱(۱)، ۵۳-۷۲.
۷۶. نوبهار، رحیم، و حسینی، ام‌البینین (۱۳۹۷). *حدود روابط جنسی زن و شوهر در چارچوب قاعده معاشرت به معروف*. *نشریه خانواده پژوهی*، ۱(۱۴)، ۷۵-۹۴.
۷۷. هدایت‌نیا، فرج‌الله و سیدعلیزاده گنجی، سیدجواد (۱۳۹۲). *نشوز زوج در فقه و حقوق خانواده جمهوری اسلامی ایران*. *نشریه حقوق اسلامی*، ۱۰(۳۷)، ۷۳-۹۷.

